

تحلیل جامعه‌شناختی عوامل و پیامدهای اجتماعی و فردی خشونت خانگی (مورد مطالعه قربانیان خشونت خانگی شهرهای زلزله زده تازه آباد و جوانرود)

نامدار حسینی^۱، خدیجه سفیری^۲، سید محمدسید میرزایی^۳

چکیده

خشونت خانگی یک رفتار عامدانه و نوعی فرافکنی نادرست احساسات درونی است که ممکن است همه افراد در شرایط و موقعیت‌های مختلف، مرتکب آن شوند. رفتارهای خشونت آمیز به ویژه در چارچوب خانه، همواره قربانیانی داشته که بنا به دلایلی ترجیح به سکوت و تحمل شرایط خشونت آمیز را داشته‌اند. این پژوهش با هدف بررسی علل بوجود آورنده و پیامدهای ناشی از آن، در میان قربانیان خشونت خانگی در شهرهای تازه آباد و جوانرود بعد از زلزله سال ۱۳۹۷، روش پژوهش نظریه داده بنیاد می‌باشد که داده‌های مورد نیاز آن از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافت با ۱۵ نفر از مشارکت کنندگانی که سابقه قربانی بودن خشونت خانگی را داشتند، به دست آمده است. شیوه انتخاب مشارکت کنندگان، هدفمند و تعیین تعداد آنها با رسیدن به مرحله اشباع، مشخص گردید. از مجموع ۴۶۸ داده‌ی خام، ۲۹۸ مفهوم، ۳۹ خرده مقوله و ۱۴ مقوله اصلی از داده‌های اولیه استخراج گردید. در نهایت مفهوم محوری "اعمال سلطه"، به عنوان پدیده اصلی که بقیه مقولات را پوشش می‌داد، انتخاب گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که مهم ترین عوامل بوجود آوردن خشونت خانگی در مشارکت کنندگان، پرخاشگری؛ اختلافات خانوادگی؛ تحمیل عقیده می‌باشد. شرایط مداخله‌گر پدیده "اعمال سلطه" عبارت است از، تحکم و فرداستی مردانه و فقر. پیامدهای اعمال سلطه شامل، مبارزه جویی و انتقام؛ خودکم بینی؛ دلسردی و احساس فرودستی می‌باشد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، سلطه، قربانی خشونت، نظریه داده بنیاد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hoseininamdar@yahoo.com

^۲ گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mailto:kh.safiri@alzahra.ac.ir

^۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. seyedmirezai@yahoo.com

مقدمه

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است اما در عین حال رکن بنیادی هر جامعه انسانی محسوب می‌گردد. در واقع خانواده خشت اول و بنیان زیربنایی هر جامعه به شمار می‌رود. هر نظام و سیستمی باید بر پایه‌های استوار و محکم بنا شود تا بتواند موجودیت و قوام خود را حفظ نماید. بنابراین، سلامت مادی و معنوی خانواده، از بدیهی‌ترین عوامل سلامت جامعه به شمار می‌رود. یکی از معضلات جوامع، خارج شدن خانواده از حالت ثبات در ایجاد آرامش و امنیت برای اعضای خود، به محیطی سرشار از خشونت، ناامنی و دیگر مسائل و مشکلاتی که روح و جسم اعضای آن (از کودکان گرفته تا بزرگسالان و سالمندان) را تهدید می‌کند. خشونت در خانواده یا خشونت خانگی، نوعی به کرسی نشاندن حرف و نظر عامل خشونت به اعضای دیگر می‌باشد. اگر چه خشونت خانگی، مسأله‌ی جدید و نوپدید نیست، اما هر روزه قربانیان خود را با انواع مشکلات و فشارهای روانی، جسمی و حتی مرگ، مواجه می‌نماید.

خشونت و آزار جسمی و روانی، پدیده‌ای بسیار شایع در میان تمام جوامع انسانی می‌باشد و طیف گسترده‌ای از آزار و زخم زبان کلامی تا خشونت‌های فیزیکی رادیکال که منجر به زخم و خونریزی یا شکستگی استخوان و حتی قتل می‌شود، را شامل می‌شود. پرداختن به مقوله خشونت خانگی، از اهمیت و ضرورت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد، زیرا؛ برای ارائه راهکارهای پیشگیرانه، باید به تبیین دقیق علل و زمینه‌های بوجود آورنده خشونت در خانواده‌ها، دست یافت، تا بتوان با این پدیده ناهنجار فردی و اجتماعی، مقابله نمود. این آسیب رشد زیادی در میان جوامع مختلف داشته است، به صورتی که بیش از ۳۵ درصد زنان جهان و ۶۶ درصد زنان ایرانی، حداقل یک بار یکی از انواع خشونت‌های خانگی را تجربه کرده‌اند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۶ به نقل از کریمی، ۱۳۹۷). مناطق زلزله زده و یا هر منطقه‌ای که دچار بلایای طبیعی گشته‌اند؛ به جهت آسیب پذیر بودن مضاعف افراد آن مناطق؛ بیشتر مستعد انواع آنومی‌های اجتماعی و اخلاقی، از جمله خشونت می‌باشند. پیامدهای روانی و عاطفی بعد از زلزله و حوادث طبیعی دیگر، گاهی به زمان بسیار طولانی برای درمان یا بهبود نیاز دارد. افزایش میزان تنش و خشم ناشی از فقدان و داغ عزیزان یا صدمات مالی و جانی، از محتمل‌ترین تبعات و پیامدهای بلایای طبیعی می‌باشد که نیازمند پژوهش‌های میدانی برای ارزیابی مسائل به وجود آمده و ارائه راهکارهای کاربردی می‌باشد.

نتایج پژوهش شرفی (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که علل فرهنگی (فرهنگ ضد زن، فرهنگ مردسالار، تعصب و غیرت، ناموس پرستی، ترس از دست دادن آبرو، بی‌اعتمادی به زنان و...)، علل اجتماعی (انگ زنی، با غیرتی، اعتیاد، بیکاری، ناموس پرستی، خرده فرهنگ خشونت)، علل فردی (پارانوئید، خیانت، خیانت متقابل، ازدواج موقت، مخالفت با ازدواج، انتخاب همسر توسط خود) در قتل‌های ناموسی علیه زنان تأثیر گذارند. علویان امیری (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان، سیاست جنایی قضایی ایران در ارتباط با زنان بزه دیده خشونت خانگی، نشان داد که رویکرد عدالت ترمیمی توجه متصدیان نظام عدالت کیفری از تمرکز صرف بر روی بزهکار را به سمت جبران خسارت از بزه دیده معطوف کرده است. نتایج مطالعه کلاتی (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که اگر اقدامات متناسب با اوضاع و احوال پدیده خشونت در خانواده اعمال شوند، نتیجه مطلوب و در خور توجهی در زمینه کنترل و مهار خشونت در خانواده حاصل می‌گردد.

آقا خانی (۱۳۹۷)، در پژوهشی خود به این نتایج دست یافت که، مردانی که دارای سطح تحصیلات پایین بودند بر نقش خانه داری زنان تأکید کردند و در حالی که طیف مقابل آنها مردان با تحصیلات بالاتر با شاغل شدن زنان در خارج از خانه مخالفتی نداشتند. نتایج تحقیق آزادی و ناهید پور (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که، خشونت در میان خانواده اصلی در خانواده فعلی ($P < 1\%$)، خشونت فیزیکی در خانواده اصلی و خشونت فیزیکی در خانواده فعلی ($P < 1\%$)، خشونت روانی در خانواده اصلی و خشونت روانی در خانواده فعلی ($P < 1\%$)، و خشونت اقتصادی در خانواده اصلی و خشونت اقتصادی در خانواده فعلی ($P < 1\%$)، رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

همچنین خشونت در خانواده اصلی، عامل پیش‌بینی کننده خشونت در خانواده فعلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش بردسیری و همکاران (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که، بیشترین نوع خشونت خانگی که مشارکت کنندگان مطالعه تجربه کرده بودند، به ترتیب به خشونت روانی - کلامی (۵۵/۳۳) درصد، فیزیکی (۳۶/۱۶) درصد و جنسی (۶۶/۶) درصد، می‌باشد. همچنین، نتایج این مطالعه حاکی از این بود که بین فاصله سنی زوجین، درآمد، اجبار در ازدواج، اعتیاد، سابقه تجربه خشونت توسط همسر با انواع خشونت علیه زنان، ارتباط معناداری وجود دارد.

کبیری و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه)، انجام دادند. یافته‌های تحقیق آنها حاکی از آن است که رابطه خطی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و اقتدار

۱۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

نامشروع مرد در خانواده با خشونت علیه زنان مورد تایید واقع شده است، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای مانده در مدل رگرسیونی توانستند ۲۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند و در این بین، متغیر اعمال قدرت از سوی مرد در خانواده بیشترین سهم را در تبیین متغیر خشونت علیه زنان داشته است.

یافته‌های پژوهش کورکران و لان^۱ (۲۰۱۸) با عنوان، تاثیر هنری بر خشونت جنسیتی چیست؟ نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان و دختران یک مشکل جهانی سلامت عمومی است. نتایج این پژوهش موضوعات، داستان‌های شخصی از خشونت؛ یادگیری و دانستن قدرت هنر؛ را برجسته می‌کند و خواستار اقدام عملی راهبردی برای مهار خشونت می‌باشد. نتایج این پژوهش به پتانسیل استفاده نشده هنر به عنوان یک استراتژی برای تأثیرگذاری بر مسئله خشونت مبتنی بر جنس اشاره دارد.

گیلیگلانا^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی را با عنوان، روند زمانی در خشونت فیزیکی، تفاوت جنسیتی و آسیب پذیری خانگی قربانیان، انجام داده‌اند. موارد ۴۷۹۵ قربانی خشونت فیزیکی در مرکز پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گرفت. برای ارزیابی داده‌ها با ایجاد مدل رگرسیون چندجمله‌ای (۰/۰۵) انجام گرفت. میزان خشونت در متغیرهای زمانی معنی‌دار بر اساس ویژگی‌های اجتماعی-دموگرافی قربانیان $(0/05 \pm 0/05)$ و شرایط تجاوزات $(0/05) < p$ بود. یافته‌های این تحقیق نشان داد که نیاز به سیاست‌های حفاظتی دارد که در آن جنبه‌های فضایی-زمانی را مورد توجه قرار می‌دهد، احساس می‌شود.

کلارک^۳ و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان، هنجارهای اجتماعی و خطر بروز خشونت در بین پارتورها (شرکای جنسی) در نپال، انجام دادند. مطالعه آنها بر اساس معیارهای درونی شده اجتماعی و مواجهه با هنجارهای نوین اجتماعی در مورد خطر ابتلا به اچ آی وی انجام شده است. داده‌های این پژوهش از مطالعات پایه جمع آوری شده از ۱۴۳۵ زن، متاهل، در سن باروری، ساکن در ۷۲ بخش در سه شهر (چیتوان^۴، کاپیلواست^۵، ناول پاراسی^۶)، نپال که در یک جمعیت نمونه که با روش

¹ Corcoran & Lane

² Gigliana

³ Clark

⁴ Chitwan

⁵ Kapilvastu

⁶ Nawalparasi

آزمایش تصادفی خوشه‌ای برای سنجش تاثیر مداخله ارتباطات تغییر رفتاری اجتماعی را که برای جلوگیری از اچ آی وی، انتخاب گردیدند. نتایج این پژوهش بر اساس استفاده از مدل‌های رگرسیون لجستیک چند مرحله‌ای نشان داد که، ادراک فردی و درک اجتماعی به عنوان یک پیش‌بینی کننده قوی از خطرات قربانی خشونت بودن زنان است و باید در هنگام برنامه‌ریزی مداخلات مورد توجه قرار گیرد.

کاستچی و کاتوا^۱ (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان، عوامل پیش‌بینی خشونت خانگی در میان زوج‌های متاهل مسلمان تایلندی در استان پاتانی، انجام دادند. نتایج این مطالعه پنج پیش‌بینی کننده خشونت خانگی را در میان زوج‌های متاهل مسلمان تایلندی در استان پاتانی با قابلیت پیش‌بینی ۰/۰۰۱ بود، را نشان داد. سه عامل پیش‌بینی کننده ارتباط مثبت با خشونت خانگی وجود داشت: آموزش و پرورش دقیق (عامل ۱). رفتارهای خشونت آمیز در دوران کودکی (عامل ۶) و وضعیت بدنی زنان (عامل ۷)، در حالی که مجازات شدید در دوران کودکی (عامل ۴) و تأکید بر سلطه مرد (عامل ۸)، روابط منفی با خشونت خانگی داشتند. وضعیت ناباروری زنان (عامل ۷) بالاترین سطح رابطه را داشت و مجازات شدید در دوران کودکی (عامل ۴) کمترین بود.

در یک نگاه اجمالی به پیشینه‌های داخلی و خارجی مرور شده در تحقیق حاضر دریافتیم که پژوهش‌های صورت گرفته هر کدام به نوعی به بررسی مسأله خشونت خانگی، به صورت مقالات مروری، توصیفی و پیمایشی و یا کیفی پرداخته‌اند. تفاوت پژوهش حاضر از نقطه نظر نوین بودن طرح تحقیق، در بررسی تجربه زیسته زنان و مردانی است که در دو شهر تازه آباد و جوانرود ساکن بوده و سابقه قربانی بودن، در پدیده خشونت خانگی را داشته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش گراند تئوری صورت می‌گیرد. مشاهده نزدیک و مصاحبه‌های عمیق با مشارکت کنندگان متقاضی موجب می‌شود تا پژوهشگر رفتارها، هیجانات و احساسات مشارکت کنندگان را از نزدیک ببیند، و به نوعی درگیر تجارب زنده افراد شده و با موقعیت‌های زنده و طبیعی موضوع روبرو شود.

نظریه‌های یادگیری اجتماعی^۲؛ مجموع صاحب نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح ساخته‌اند بر این باورند که کج رفتاری و هم‌نوایی طی فرآیندهایی مشابه یاد گرفته می‌شوند و کج

¹ Kasetchai & Kettawa

² Social Learning Theory

رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. بنابراین، نکته اصلی در این نظریه‌ها این است که افراد، کج رفتاری را در طول تعامل خود و طی فرآیندهای خاصی یاد می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۷).

نظریه‌های کنترل اجتماعی^۱؛ این نظریه، در تحلیل و تبیین کج رفتاری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و از نظریه‌های با نفوذ در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی بوده است. موضوع اصلی در این نظریه این است که کج رفتاری نتیجه نبود کنترل اجتماعی است. فرض اصلی در این زمینه این است که هم چنان که فروید گفته، افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند. «(رکلس^۲، ۱۹۷۳: ۵۷-۵۵). و کج رفتاری اشخاص، پیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است (نای، ۱۹۵۸: ۳-۹).

نظریه کنش متقابل^۳ در سنت روان‌شناسی اجتماعی مید و کولی^۴ به چگونگی شکل یافتن تصور از خود اهمیت می‌دهد. در این مورد شکل‌گیری تصور از خود به عنوان فردی بزهکار، جامعه و نهادها و سازمان‌های رسمی نقش اساسی دارند. رفتار اجتماعی انسان اعم از بهنجار یا نابهنجار، در کنش متقابل بر اساس یک عمل دو جانبه و متقابل شکل می‌گیرد. هسته این نظریه خود است که به عنوان یک محصول اجتماعی همیشه ظاهر می‌شود و از مشارکت در فرآیند تعاملات اجتماعی استنتاج می‌شود و در این مدت هویت فرد به کنش‌های متقابل با دیگران ایجاد و حفظ می‌شود (کاوه، ۱۳۹۱: ۵۷).

نظریه منابع که در سال ۱۹۷۱ توسط ویلیام گود مطرح شد، بر این امر تأکید می‌کند که غالباً مردان منابع اقتصادی را در دست دارند و همین امر موجب برتری آن‌ها در روابط خانوادگی می‌شود. حال آن که زنان به لحاظ اقتصادی عمدتاً به همسران خود وابسته‌اند و از طرفی چون مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اگر مردان را ترک کنند، با مشکلات اقتصادی رو به رو خواهند شد؛ از این رو در روابط خشن باقی می‌مانند وابستگی زنان به این معناست که آن‌ها راه‌های محدودی در دسترس دارند و لذا کمتر می‌توانند بر مردان قدرت و نفوذ داشته باشند. اگر یکی از زوجین به

¹ Social Control Theory

² Rkls

³ Social interaction

⁴ Mead & Cooley

دنبال کنترل قدرت باشد معمولاً آزار را انتخاب می‌کند و آزار انواع مختلفی دارد؛ مانند تهدید، ترس، مزوی ساختن، آزار بچه‌ها، محدودیت‌های مالی و... حال آنکه زوج‌هایی که به لحاظ قدرت و منابع مساوی هستند کمتر تضاد را تجربه می‌کنند و وقتی هم تضاد پیش می‌آید با راه‌های غیر خشن آن را خنثی می‌کنند (محمدی و میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

دوبار از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی را به عنوان عامل تداوم بخشی بر سلطه مرد بر زن می‌داند. نحوه برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اتکای به نفس و استقلال بیشتر از پسر مورد انتظار باشد. همچنین بیشتر به آنها توصیه می‌شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در عوض از دختر انتظار می‌رود که سازش کند، صلح جو باشد، اختلافات را نه با جنگ و جدال بلکه با صحبت حل و فصل کند و مهربان و مراقبت‌کننده باشد (راس، ۱۳۷۳: ۲۷۵). نظریه‌های مرور شده فوق، برای ایجاد حساسیت نظری و دسته‌بندی مقوله‌های برآمده از مصاحبه‌ها و در نهایت مقایسه‌های یافته‌های پژوهش با نظریه‌های مرتبط با خشونت خانگی و رد یا تأیید آن‌ها یا خلق گزاره یا شبه نظریه جدید، مورد استفاده واقع می‌شود.

با توجه به مسأله خشونت‌های خانگی و آثار و تبعات آن در جامعه، به ویژه شهرها و روستاهای محروم کشور که در صورت مواجهه با بلاهای طبیعی مانند زلزله، احتمال می‌رود محرومیت بیشتری را تجربه نمایند، محقق در صدد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد:

- ۱- تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در تحقیق، از خشونت خانگی، بعد از زلزله چیست؟
- ۲- زمینه‌های فراهم شدن انجام خشونت خانگی و پذیرش نقش قربانی در بین مشارکت‌کنندگان تحقیق چیست؟
- ۳- چه شرایط مداخله‌گری، در بوجود آمدن خشونت خانگی، نقش دارند؟
- ۴- استراتژی‌های مقابله‌ای، که قربانیان خشونت خانگی، در خصوص پذیرش و قربانی بودن خشونت خانگی، به کار می‌برند، چیست؟
- ۵- پیامد، راهبردهای به کار گرفته شده، توسط مشارکت‌کنندگان تحقیق، چه بود است؟

روش‌شناسی

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، شامل ۱۵ نفر از قربانیان خشونت خانگی می‌باشند که با روش انتخاب هدفمند از بین واجدین شرایط مطلع و آگاه از موضوع پژوهش (با توجه به اطلاع و

۱۴.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شناخت قبلی محقق و نیز پرس و جو از افراد برای معرفی مشارکت کنندگان به شیوه گلوله برفی) از دو شهر تازه آباد و جوانرود انتخاب گردیدند. تعداد مشارکت کنندگان را رسیدن به مرحله اشباع داده‌های نظری و تا حدودی، مفهومی، تعیین نمود.

جدول ۱ مشخصات پاسخ‌گویان

شماره	نام	جنسیت	شغل	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل
۱	پروین	زن	خانه دار	۳۹	دیپلم	متاهل
۲	شادی	زن	خانه دار	۲۵	دیپلم	متاهل
۳	زهره	زن	خانه دار	۳۰	لیسانس	متاهل
۴	طناز	زن	دانشجو	۲۵	لیسانس	مجرد
۵	منصوره	زن	خانه دار	۳۸	دیپلم	متاهل
۶	آزاده	زن	دانشجو	۲۸	لیسانس	مجرد
۷	معصومه	زن	قالیباغ	۴۵	پنجم	متاهل
۸	ریحانه	زن	آموزشیار	۲۴	فوق لیسانس	متاهل
۹	خدیجه	زن	قالیباغ	۳۵	پنجم	مجرد
۱۰	آمنه	زن	قالیباغ	۵۴	پنجم	متاهل
۱۱	سپیده	زن	خانه دار	۳۵	دیپلم	متاهل
۱۲	حکیمه	زن	خانه دار	۵۵	پنجم	متاهل
۱۳	طاهره	زن	آرایشگر	۵۲	پنجم	مجرد
۱۴	مرضیه	زن	دامدار	۵۴	پنجم	متاهل
۱۵	اقدس	زن	خانه دار	۵۵	پنجم	متاهل

در این پژوهش محقق به مرور ادبیات نظری و تجربی (برخی نظریه‌های مربوطه، مقالات و کتاب‌هایی که در ارتباط با موضوع خشونت خانگی به رشته تحریر درآمده‌اند) برای آشنایی با موضوع پژوهش جهت ایجاد حساسیت نظری پرداخت. برای رسیدن به معیار اعتماد از روش‌هایی چون، ارزیابی توسط مشارکت کنندگان، کنترل و بازبینی یافته‌های مفهومی و نظری توسط استادان راهنما و مشاور و مقایسه‌های تحلیلی استفاده گردید.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۱ (معادل پایایی^۲ و روایی^۳ در تحقیقات کمی) از سه تکنیک متعارف و مرسوم (سیلورمن^۴، ۲۰۱۳: ۱۵). زیر استفاده گردید:

^۱ Trustworthiness

^۲ Reliability

^۳ Validity

^۴ Silverman

۱- کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا: در این پژوهش با استفاده از روش مراجعه مجدد به پاسخ‌گویان (۷ نفر) از آنها خواسته شد تا یافته‌های کلی دست آمده را ارزیابی کرده و در مورد آن نظر دهند. مشارکت کنندگان، صحت یافته‌های به دست آمده را تأیید نمودند.

۲- مقایسه‌های تحلیلی: در این روش با مرور و برگشت مجدد از یافته‌های انتزاعی به داده‌های خام و سیر از قیاس به استقراء، صحت یافته‌های انتزاعی بازبینی شد.

۳- استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه دو استاد راهنما و مشاور و نیز دو نفر از کارشناسان آشنا با روش نظریه داده بنیاد، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات نظر دادند.

مراحل کدگذاری در این پژوهش به این صورت بود که در وهله اول محقق هر مصاحبه را به محض رسیدن به منزل، تایپ و سپس تمام نکات مهم آن را وارد جدول می‌نمود. در مرحله دوم تمام مفاهیم مشترک را پشت سر هم مرتب و مفهومی که مشتمل بر همه داده‌های مشترک باشد را استخراج می‌نمود. سپس مفاهیم به دست آمده را در طبقه‌ای انتزاعی تر که شمول بیشتری نسبت به مرحله قبلی داشت، به نام خرده مقولات قرار داده و در نهایت از چند خرده مقوله به مقولات اصلی دست رسیدیم. تمام این مراحل در طول انجام گردآوری داده‌ها، به صورت رفت و برگشت و فرایندی بوده است.

برای تشریح جریان کار تبدیل داده‌های خام به مفاهیم، یک نمونه از مصاحبه‌های کدگذاری شده اشاره می‌کنیم.

جدول ۲ نمونه کدگذاری باز

کد	داده‌های خام	مفاهیم
پروین (۲)	به نظر من خشونت رفتار خشن	خشونت رفتاری
شادی (۶)	تفهم موضوع به شکل خشن به طرف مقابل	تفهم خشن (درک)
زهره (۴)	در خشونت هدف، شعور و حرمت طرف مقابل است که مورد تهاجم قرار می‌گیرد	تهاجم به حرمت و شعور
طناز (۸)	احتمالا جایی با رفتار یا گفتار اشتباهم خطایی مرتکب شدم که از نظر خودم مهم نبوده ولی همون باعث باز شدن در همه این خشونت‌ها علیه من شده.	خشونت دیدگی به خاطر مسائل جزئی
منصوره (۱۴)	احساس می‌کنم کل کائنات با من هماهنگ شدن که دنیا برای من از این بهتر نشه	تقدیر گرایی

مثال جدول فوق نحوه وارد کردن داده‌های خام به جدول چهار ستونی بعد از مرتب کردن مفاهیم با معنی یا مشترک می‌باشد. داده‌هایی که مفهوم یا مفاهیم مشترک داشتند؛ یک مفهوم به خود

۱۶.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

اختصاص می‌دهد. در جدول ذیل به نمونه‌ای از جمع‌بندی مفاهیم مشترک در زیر پوشش خرده مقوله‌ها و نیز تحت پوشش در آوردن چند خرده مقوله زیر یک مقوله اصلی اشاره می‌کنیم.

جدول ۳ سیر از مفاهیم به خرده مقوله و مقوله

مقولات	خرده مقولات	مفاهیم	کد
گسست در روابط عادی خانواده	ارتباطات منفی	مضرات روحی و عاطفی خشونت(پیامد)	منصوره(۳۰-۲۴)
		سردی روابط	
		احساس تنهایی(پیامد)	
		خودخواهانه دیدن نیازهای عاطفی عامل خشونت	
احساس کوتاه آمدن زنانه*	تحمل به خاطر بچه‌ها	دو طرفه بودن فداکاری(راهبرد)	آزاده(۳۳-۲۸)
		فداکاری بی جا(درک)	
		اثرات بد خشونت خانگی بر مادر	
تحکم و فرداستی مردانه	اثرات منفی روانی و ارتباطی	عذاب وجدان مادر بابت ازدواج مجدد	آزاده(۳۳-۲۸)
		اثرات بد خشونت خانگی بر مادر و خواهر	
		خشونت دیدگی از طرف ناپدری	
		مشکلات ارتباطی	

در جریان کدگذاری باز مصاحبه‌ها و استخراج طیف‌های مفهومی و سیر از استقرا به قیاس و رسیدن به خرده مقولات و مقوله‌های اصلی، در نهایت مدل پارادایمی "اعمال سلطه"، به عنوان اصلی‌ترین محور در برگزیده‌ی مقوله‌های اصلی برآمده از مصاحبه‌های قربانیان خشونت خانگی انتخاب گردید. مفاهیم به شرح زیر تعریف شده‌اند:

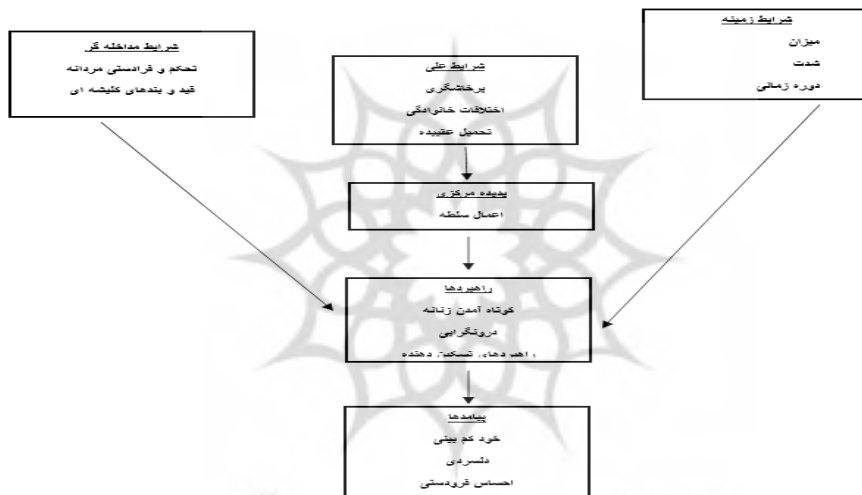
اصطلاح "اعمال سلطه" به معنی درک و تجربه زیسته مشارکت کنندگان از پدیده خشونت خانگی و توجیه آن بود. مشارکت کنندگان پژوهش، اعمال سلطه و زورگویی مردانه را عامل اصلی به وجود آمدن خشونت خانگی قلمداد می‌نمودند. بهانه جویی یا اعمال خشونت‌های نامتناسب با سوء تفاهم یا ناراحتی پیش آمده، از طرف مردان (پدر، برادر یا شوهر) در ارتباط با زنان، در اکثر مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، شرایط علی به وجود آورنده اعمال سلطه در روابط درون خانه که موجب خشونت‌های خانگی می‌گردد، شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- پر خاشگری؛ ۲- اختلافات خانوادگی؛ ۳- تحمیل عقیده.

شرایط مداخله گر در این پدیده عبارت است از:

- ۱- تحکم و فرادستی مردانه؛ ۲- قید و بندهای کلیشه‌ای.
- راهبردهای اتخاذی مشارکت کنندگان در پدیده اعمال سلطه شامل:
 - ۱- کوتاه آمدن زنانه؛ ۲- درونگرایی؛ ۳- راهبردهای تسکین دهنده، می‌باشد. و در نهایت پیامدهای حاصل از راهبردهای اتخاذ شده توسط مشارکت کنندگان عبارت اند از،
 - ۱- خودکم بینی؛ ۲- دلسردی؛ ۳- احساس فرودستی. مدل پارادایمی زیر، برآمده از پدیده خشونت خانگی و اعمال سلطه در بین زنان مشارکت کننده در پژوهش می‌باشد.

شکل ۱ مدل پارادایمی اعمال سلطه



یافته‌ها

الف: شرایط علی پدیده اعمال سلطه

شرایط علی پدیده اعمال سلطه در پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- **پرخاشگری:** روان‌شناسان معتقدند اختلال پرخاشگری ریشه بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری افراد می‌باشد. این در صورت بروز می‌تواند سبب مشکلات بین فردی، جرم، بزه، و تجاوز به حقوق دیگران شده و در صورت درونی‌سازی به ایجاد انواع مشکلات جسمی و روانی منجر شود. پرخاشگری رفتاری است به قصد آسیب رساندن (جسمانی یا زبانی) به فردی دیگر یا خود یا نبود کردن دارایی دیگران. مفهوم اصلی در این، قصد است. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که

پرخاشگری، از شاخص‌های مهم پاره‌ای از اختلالات روانی مانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی به شمار می‌آید (اسچودولسکی و راجکین^۱، ۲۰۰۴).

در این پژوهش منظور مشارکت کنندگان از پرخاشگری، خشونت‌های کلامی تند و تحقیر آمیز و گاهی همراه با خشونت فیزیکی می‌باشد. پرخاشگری در نظر مشارکت کنندگان، از علل شروع و بروز خشونت‌های خانگی درک شده توسط خودشان می‌باشد.

(کد ۱۵): وقتی خسته از سر کار میاد خونه با هر بهانه‌ای به من حمله می‌کنه. فحش میده یا سر یه چیز بی خود مثل خرج‌های خونه یا غذایی که پختم دعوا راه می‌ندازه. از اول زندگی مون همین جور بود. بعد از ۳۷ سال زندگی مشترک، هنوزم به من توهین می‌کنه. به خانواده م توهین می‌کنه و چندین بار دست روم بلند کرده. بیشتر توهین لفظی می‌کنه.

۲- اختلافات خانوادگی: بر اساس یافته‌های این پژوهش، بیشترین عامل ایجاد کننده خشونت خانگی، اختلافات خانوادگی به ویژه اختلاف در سلیقه یا طرز فکر افراد در مورد مسائل مالی یا ارتباطی می‌باشد.

(کد ۱۳) که زنی ۵۲ ساله و مجرد است بیشترین عامل به وجود آمدن خشونت در خانواده اش را در اختلافات مالی با برادرهایش و نیز ناسازگاری ارتباطی با خانواده‌های آنها می‌داند. ظاهره در این باره می‌گوید: از همون موقع که پدرم زنده بود، اینا حسودی من رو می‌کردند. من تمام عمر و جوانیم رو گذاشتم برای نگهداری از پدر فلج مان اما اون‌ها نه تنها قدر ندانستند، بلکه همیشه به من شک داشتند که یه حساب بانکی دارم که پدرمون توش پول ریخته. داد و بی دادها و آبروریزی‌هاشون جلوی در و همسایه بابت چیزی بود که اصلاً وجود نداشت. می‌خواستند با این تهمت‌ها من رو از ارث محروم کنند و همه چی رو خودشون با خواهرم بالا بکشند.

۳- تحمیل عقیده: احساس دیکتاتوری و به کرسی نشاندن حرف و عقیده عامل خشونت، از دیگر علل به وجود آمدن اختلافات و بروز خشونت در بین مشارکت کنندگان پژوهش به شمار می‌رود. احساس بی ارزش بودن در نظر دادن یا منفعل بودن در تصمیمات اتخاذ شده در خانواده، درک مشارکت کنندگان از تحمیل عقیده می‌باشد.

¹ Sukhodolsky & Ruchkin

(کد ۳): بیشترین دلیل آن مربوط به تصمیم‌های عجولانه و خودسری‌های طرف مقابل و عدم مشورت با اینجانب می‌باشد (قربانی).

ب- شرایط مداخله گر بوجود آورنده پدیده اعمال سلطه

شرایط دخالت‌کننده و ساختاری در بوجود آمدن اعمال سلطه و خشونت‌های خانگی در نظر قربانیان خشونت خانگی در این پژوهش، عبارت بود از:

۱- **تحکم و فرادستی مردانه:** منظور از تحکم و فرادستی مردانه، لحن، برخورد، نوع ارتباط و احساس فرادستی در مردانی بود که زنان، دختران یا خواهران خود را با رفتارهای خشن، آزرده می‌نمودند. این تحکم در خصوص به وجود آوردن تنگناهای مالی یا عدم ایجاد شرایط مناسب برای برقراری ارتباط سالم و دوستانه دیده می‌شود.

(کد ۹): از بچگی با فقر و نداری زندگی کردیم. چون پدرم حاضر نبود به قرون برامون خرج کنه. یادم نیست یه عیدی بیاد و ما شیرینی یا آجیل خریده باشیم مگر اینکه برادرهام بخرند با پول خودشون. نه رخت و لباسی نه یه کلمه محبت آمیزی. اصلا این مرد دلی نداره توی وجودش. فقط نامردی و ظلم بلده. از همون موقع که یادم میاد با کوچکتین بهونه‌ای می‌افتاد به جونمون. چند بار دست و پای پا زیر مشتمت و لگد و ضربات چوبش شکسته یا در رفته. همیشه یه جای بدن هر کدوممون یه کبودی یا یه اثری از کتک‌های پدرم بود. الان که دیگه از جون افتاده اما زبونش همچنان کار می‌کنه.

۲- قید و بندهای کلیشه‌ای

محتوای کلیشه‌های جنسیتی دارای چهار مؤلفه‌ی جدا از هم است که مرم برای جدا کردن زنان و مردان از آن استفاده می‌کنند. این چهار مؤلفه عبارت‌اند از: صفات، رفتارها، ویژگی‌های فیزیکی و مشاغل. این مؤلفه‌ها نسبتاً مستقل از یکدیگر هستند اما افراد معمولاً یک سری از آنان را به زنان و سری دیگر را به مردان نسبت می‌دهند. به عبارت دیگر، بر اساس دانش حاصل از یک مؤلفه، ارزیابی به سه مؤلفه‌ی دیگر نیز بسط داده می‌شود (حجازی، ۱۳۹۱). احساسات و باورهای نشأت گرفته از تفکرات قالبی و کلیشه‌ای زنانه-مردانه، از زمینه‌های دخالت‌کننده در به استمرار و ایجاد خشونت‌های خانگی قلمداد می‌شود. این تفکرات از زنان می‌خواهد که در برابر خشونت‌ها یا زیاده‌خواهی‌های مردان اطراف خود (پدر، شوهر یا برادر) کوتاه بیایند و آبروریزی نکنند.

(کد۷) زن ۴۵ ساله قالیبافی که به خاطر خشونت همسرش یکی از فرزندان خود را سقط کرده در مورد تفکرات خود در مورد آبروداری چنین می‌گوید: قبلاً می‌ریختم تو خودم. بعد از اینکه بچه دار شدم کمی آرام شد. انگار بچه برای به مدت کوتاه خوشحالش کرده بود. که بعد متوجه شدیم دوباره باردارم. همون شب با یکی از همسایه‌ها سر پارک ماشین جلوی در مغازه مون بحثش شده بود. می‌دونستم دنبال بهونه است. داشتم شام می‌آوردم که بچه گریه کرد. تا پیام آرومش کنم شروع کرد داد و بیداد و کتک کاری که چرا بچه رو خفه نمی‌کنی. فردا صبحش بچه م رو سقط کردم. بعد از اون خیلی ازش نفرت پیدا کردم. دیگه براش آبروداری نمی‌کردم. هر وقت دست روم بلند می‌کرد داد و بیداد می‌کردم و همسایه‌ها رو می‌ریختم اینجا. از همسایه‌ها خجالت می‌کشید و سعی می‌کرد تموم کنه. بعضی موقع‌ها که مهمون داریم هم سعی می‌کنم صدامو درنیارم. میگم مثلاً این مهمون چه گناهی داره دو روز اومده خونه من باید شاهد سگ و گربه بازی ما باشه. بچه‌هام همش ازم می‌پرسن چرا طلاق نگرفتی همون اول. چرا اینهمه بچه آوردی؟ خب آخه سنم کم بود. من دختر بزرگ خانواده مون بودم. اگه طلاق می‌گرفتم کسی نمی‌اومد سراغ خواستگاری خواهرهام. پدر و مادرم سرشکسته می‌شدند. البته اون موقع اونجوری فکر می‌کردم. اون موقعی که باید ول می‌کردم، نکردم. الان دیگه وقت طلاق نیست. الان پشیمونم. میگم چرا باید عمرم رو میذاشتم پای مردی که به راحتی دست روم بلند می‌کنه؟ اگه من از همون روز پاتختی کوتاه نمی‌اومدم الان به آدم دیگه بودم.

پ- راهبردهای مشارکت کنندگان

۱- **کوتاه آمدن زنانه:** منظور از کوتاه آمدن زنانه عقب نشینی، سکوت و بخشش یا مدارا با عامل خشونت به دلیل وجود فرزندان یا ناتوانی در مقابله به مثل می‌باشد.

(کد۶): من فقط سکوت می‌کنم حس می‌کنم توان مقابله باهاش رو ندارم ناراحت و عصبی می‌شم و به انتقام فکر می‌کنم هر کاری از ذهنم خطور می‌کنه ولی جرئت عملی کردنش رو ندارم تا جایی که امکان دارد از مقابل چشمانش دور می‌شوم و سعی می‌کنم جز به ضرورت باهاش روبرو نشم. حس می‌کنم دنیا رو سرم آوار شده احساس کوچک بودن و ضعف دارم که نمی‌توانم در مقابل خشم پاسخ بدم حس می‌کنم دست و پام رو بستند و زبانم قفل می‌شود که حتی نمی‌تونم حرف بزنم یا گریه کنم حس می‌کنم کمرم رو شکستند و نای ایستادن رو پاهام رو ندارم احساس می‌کنم آدمی هستم بیخود و ناتوان که فقط برای این کار ساخته شدم.

۲- درونگرایی: درونگرایی و در خود فرورفتن مکانیزمی است که زنان مشارکت کننده در

پژوهش برای در امان بودن از خشونت یا متوقف کردن آن به کار می‌برند.

(کد ۳) می‌گوید: بیشتر مواقع سکوت می‌کنم به نظر من تنها کاری که باید کرد سکوت است حداقل تا زمانی که مغز طرفین به آرامش نسبی برسد چون هرگونه بحث و گفتگو و ادامه دادن مشاجره بدون هیچ گونه تاثیر مثبتی تنها به دور کردن روابط و بدتر شدن وضعیت دامن می‌زند بنابراین تنها چاره را در سکوت می‌بینم که باعث آسیب رساندن جسمی و روحی به خودم می‌شوم. و ارتباط عاطفی ام را مدتی قطع می‌کنم.

۳- راهبردهای تسکین دهنده: منظور از این راهبردها، هر نوع فعالیت یا اشتغال فکری و

جسمی به کارهایی که مشارکت کنندگان را از خشونت به دور نگه دارد، می‌باشد. این راهبردها توسط مشارکت کنندگان، هم برای جلوگیری از به وجود آمدن خشونت خانگی و هم به منظور التیام پیامدهای روحی و جسمی آن به کار برده می‌شود.

(کد ۱۰) زن ۵۴ ساله مجردی که به دلیل خشونت پدر و لجبازی با او و نیز به خاطر تنفر از مردان موقعیت‌های خوب ازدواج را از دست داده است می‌گوید: تا زمانی که پدرم زنده بود و در خانه حضور داشت به ندرت در خانه می‌ماندم. معمولاً به خانه همسایه‌ها می‌رفتم. به خانم‌ها آموزش گلدوزی و خیاطی می‌دادم. یه زمان‌هایی هم قرآن آموزش می‌دادم. الانم که بعد از زلزله کلاس‌های قالبیافی شرکت می‌کنم. اون زمان‌ها خواهر کوچکترم ازدواج کرد با پسرعمویم. من خیلی به دیدنش می‌رفتم. بعد از ازدواج برادرهایم هم گاهی یکی دو ماه به خانه آنها در تهران می‌رفتم. اعصاب خودم با این کارها کمی آرام می‌شد. به محض بودن در کنار پدرم دوباره اعصابم خرد می‌شد.

ت- پیامدهای پدیده اعمال سلطه

راهبردهای به کار رفته شده در حوادث خشونت‌های خانگی، پیامدهایی را به دنبال داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- خودکم بینی: از آنجا که احساس خودکم بینی همواره در مقایسه خود با دیگران به وجود

می‌آید، داشتن چنین احساسی با احساس گوشه‌گیری از اجتماع و حس عدم تعلق به جمع همراه

۲۲.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

می‌باشد (هاسپرا، ۲۰۱۳). احساس فروتری و خودکم بینی، در اکثر مواردی که مشارکت کنندگان با خشونت خانگی مواجه می‌شدند، به چشم می‌خورد.

(کد ۱۴): احساس می‌کنم یه موجود بی مقدارم. وقتی عروسم رو می‌بینم دست و پای خودم رو گم می‌کنم. در حالی که من هیچی کم ندارم. اما آنقدر توسط شوهرم تحقیر شدم از خودم بدم میاد. تمام همسایه‌ها می‌تونن به راحتی من رو اذیت کنن چون می‌دونن نمی‌تونم از خودم دفاع کنم. شوهرم همه احساس اعتماد به نفس من رو از بین برده. نمی‌تونم به خودم محبت کنم چون فکر می‌کنم لیاقتش رو ندارم.

۲- دلسردی: دلسردی و بی‌علاقگی به تحمل شرایط موجود از دیگر پیامدهای پدیده اعمال سلطه در خشونت‌های خانگی به شمار می‌رود.

(کد ۱۱): نسبت به همه چیز بی‌انگیزه شدم. سن و سالی ندارم همسن‌های من هنوز مجردند اما من انگار ۷۰ سالمه. دستم گرم همیشه برم سراغ کاری. الان پسر بزرگ شده و می‌تونم از اوقات فراغت خودم خیلی استفاده کنم اما انگار یکی دست‌هامو بسته. نه حال و حوصله رفت و آمد با خانواده خودم را دارم نه خانواده شوهرم. یه وقت‌هایی یه فکرهایی میاد سرم که مثلاً برم رانندگی یاد بگیرم یا برم درس رو ادامه بدم اما از آخر و عاقبتش خبر دارم که چطوری بازم اعصابم رو با دعواها و بگو مگوهای الکی می‌خوان به هم بریزن. ترجیح میدم هیچ کاری رو شروع نکنم. سنگین ترم اینجوری.

۳- احساس فرودستی: بر اساس نظریه‌های ستمگری جنسی موقعیت زنان در نتیجه رابطه ناعادلانه قدرت میان زن و مرد به وجود آمده است، رابطه‌ای که طی آن، مردان موفق شدند حس فرادستی خود (به دلیل دسترسی بیشتر به منابع مالی و قدرت فیزیکی) و فرودستی زنان را به جامعه القاء نمایند. باورهای حاکم در هر جامعه، برآمده از عرف‌ها و هنجارها و کلیشه‌ها می‌باشد. احساس فرودستی زنانه از جمله باورهای کلیشه‌ای در جوامع کمتر توسعه یافته به ویژه در مناطقی که از امکانات کمتری برخوردار می‌باشند، می‌باشد. این احساس به ویژه در میان زنانی که تحت شرایط خشونت مردان خانواده زندگی می‌کنند، محسوس تر می‌باشد.

(کد ۸): اونموقع‌ها یادمه خیلی از شب‌ها با گریه می‌خوابیدم. توی مدرسه بین همکلاسی‌ها همیشه سرافکنده و خجالت زده بودم. مدام حرف‌ها و دعوای پدرم رو بهم سرکوفت می‌زدند. یادمه از مدرسه که برمی‌گشتیم خونه توی مسیر خانه دوستانم گاهی با پدرهاشون مواجه می‌شدند و می‌دیدند بغل پدرهاشون اما من وقتی توی مسیر با پدرم مواجه می‌شدم کلی دعا می‌کردم چیزی بهم نگه یا تند نگام نکنه. بعد از نامزدی زیاد تو خونه نمودم. یا خونه نامزدم میرم یا سر کار هستم. محل کارم روستاست. همونجا اتاق کرایه کردم و هفته‌ای یکی دو روز برمی‌گردم خانه.

بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش از پژوهش ابتدا به مقایسه یافته‌های پژوهش‌های پیشین با یافته‌های پژوهش حاضر می‌پردازیم. یافته‌های ای پژوهش با نتایج پژوهش شرفی (۱۳۹۷)، که نشان می‌دهد که علل فرهنگی (فرهنگ ضد زن، فرهنگ مردسالار، تعصب و غیرت، ناموس پرستی، ترس از دست دادن آبرو، بی‌اعتمادی به زنان و...)، علل اجتماعی (انگ زنی، با غیرتی، اعتیاد، بیکاری، ناموس پرستی، خرده فرهنگ خشونت)، علل فردی (پارانوئید، خیانت، خیانت متقابل، ازدواج موقت، مخالفت با ازدواج، انتخاب همسر توسط خود) در قتل‌های ناموسی علیه زنان تأثیر گذارند، به نوعی هم راستا می‌باشد زیرا قتل‌های ناموسی نیز نوع رادیکال خشونت خانگی بر علیه زنان می‌باشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش فرید کلاتی (۱۳۹۷)، مبنی بر اینکه خشونت در خانواده تحت تأثیر یکسری عوامل اعم از درون ذاتی و برون ذاتی واقع می‌شود و باید ابتدا این عوامل شناسایی و بررسی شوند و سپس در جهت رفع آنها اقدام شود زیرا علیرغم بکارگیری اقداماتی در زمینه مهار خشونت از سوی کارشناسان، هنوز پیشرفت چشم‌گیری در این زمینه صورت نگرفته است که دلیل آن هم می‌تواند عدم به کارگیری روش‌های متناسب با عوامل بروز خشونت باشد که اگر اقدامات متناسب با اوضاع و احوال پدیده خشونت در خانواده اعمال شوند، نتیجه مطلوب و در خور توجهی در زمینه کنترل و مهار خشونت در خانواده حاصل می‌گردد، همسو می‌باشد.

همچنین نتایج پژوهش آقا خانی نوید (۱۳۹۷) که نشان می‌داد نوعی خود برتری در میان مردان وجود دارد که این نیز نشأت گرفته از محیط خانوادگی و تجربه‌ی پدرسالاری و مردسالاری در دوران کودکی می‌باشد با نتایج کاملاً با یافته‌های پژوهش حاضر مطابقت دارد. نتایج پژوهش بردسیری و همکارانش (۱۳۹۷)، حاکی از این بود که بین فاصله سنی زوجین، درآمد، اجبار در ازدواج، اعتیاد، سابقه تجربه خشونت توسط همسر با انواع خشونت علیه زنان، ارتباط معناداری

وجود دارد. این نتایج قابل همخوانی با یافته‌های این پژوهش می‌باشد. بررسی نتایج پژوهش کبیری و همکاران (۱۳۹۷)، که متغیر اعمال قدرت از سوی مرد در خانواده را دارای بیشترین سهم در تبیین متغیر خشونت علیه زنان می‌داند، مورد تأیید یافته‌های محققین این پژوهش می‌باشد. یافته‌های پژوهش کلارک و همکاران (۲۰۱۷)، که ادراک فردی و درک اجتماعی را به عنوان یک پیش‌بینی کننده قوی از خطرات قربانی خشونت بودن زنان می‌داند، حاکی از مطابقت یافته‌های پژوهش آنها با یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

اعمال سلطه مردانه در محیط خانواده گاهی توأم با خشونت‌های فیزیکی و لفظی می‌باشد. بر اساس نظریه دوبوار از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به عنوان عامل تداوم سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. بر اساس این نظریه در واقعیت شکل‌گیری شخصیت زنان و دختران تحت تأثیر اعمال سلطه از طریق مردان، شکل می‌گیرد که آنها را دارای شخصیتی سلطه‌پذیر می‌نماید. میشل فوکو نیز هویت افراد را با هویت جنسی آنها یکی می‌داند به این معنی که زنان یا دختران آماده پاسخ‌گویی به انتظارات برساخته جامعه مردسالار از خود می‌باشند. در مقابل کمپل عقیده دارد، خصوصیات و هویت مردانگی نیز ناشی شکل‌گیری اجتماعی بوده و از ساختمان زیست‌شناختی ما نشأت نمی‌گیرد بلکه ساخته فرهنگ و عرف و کلیشه‌های جوامع می‌باشد. سه عاملی که کمپل خشونت جنسیتی را ناشی از آن می‌داند عبارت است از، ۱. قدرت اجتماعی بی تناسب و ناعادلانه مردان ۲. احساس سزاوار قدرت و امتیاز بودن، ۳. مجاز بودن اجتماعی و حقوقی و فرهنگی ارتکاب به خشونت جنسیتی.

شرایط بعد از زلزله، جدا از خسارت‌های اقتصادی، باعث به وجود آمدن شرایط و موقعیت‌هایی گردید که در آن شرایط در زمینه خشونت‌های خانگی، دو حالت به وجود آمد؛ اولین حالت آن تأثیر مثبت زلزله بر کاهش میزان خشونت خانگی بود. علت این امر زندگی در کانکس و کم رنگ شدن حوزه خصوصی و گسترش حوزه عمومی بود. مشارکت کنندگان در پژوهش، ترس از شنیده شدن صدای دعوا و خشونت توسط همسایگان را یکی از عوامل کاهش میزان خشونت یا دست کم کاهش شدت آن می‌دانستند. حالت دوم، اشاره به شرایط دشوار مالی بعد از زلزله داشتند که هم برای خود آنها و هم برای اقوام و همسایه‌ها به وجود آمده بود. هر چند این شرایط مشارکت کنندگان را در تنگناهای مالی شدیدی قرار داده بود، اما تأثیری بر میزان خشونت خانگی از سوی عاملان خشونت نداشت.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اغلب خشونت‌های خانگی به وجود آمده در جامعه مشارکت کنندگان پژوهش، ناشی از حس سلطه و تسلط مردانه در اکثر گفت‌وگوهای زناشویی یا روابط درون خانوادگی می‌باشد. این سلطه‌گری اگر با ویژگی‌های سلطه‌پذیری زنان هماهنگ نباشد، با ابزارهایی چون خشونت کلامی و فیزیکی به کرسی نشاندن خواهد شد. در شرایط و موقعیت به وجود آمده بعد از زلزله، هیچ‌گونه تشدید در اعمال خشونت خانگی از طرف عاملان خشونت بر قربانیان خشونت، دیده نشد، برعکس برخی از قربانیان، شرایط زندگی در کانکس (به دلیل گسترده شدن حوزه عمومی به حوزه خصوصی و همجواری بیشتر با همسایگان) و همچنین اقدامات انجام شده توسط دولت یا خیرین برای خوداشتغالی زنان از جمله دایر شدن کارگاه‌های و کلاسی‌های آموزشی و سرگرم شدن زنان در این کارگاه‌ها، از میزان خشونت خانگی کاسته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در شرایطی که بلاها یا مصیبت‌های وارد شده بر افراد، عمومیت داشته و جنبه فردی و شخصی نداشته باشد، میزان هم‌نواپی افراد گرفتار شده در یک مصیبت مشترک افزایش می‌یابد. هم‌نواپی ایجاد شده در زمان بلایای طبیعی بر میزان تاب‌آوری جمعی تأثیر مثبت می‌گذارد. علاوه بر این، بر اساس یافته‌های برآمده از پژوهش، کوچک یا باریک شدن عرصه‌های خصوصی و گسترده شدن عرصه‌های عمومی، بر خودکنترلی افراد در بروز خشم یا برخوردهای خشن خانگی تأثیر گذاشته و از میزان یا شدت آن می‌کاهد.

منابع

- آزادی، شهذخت و ناهید پور، فرزانه (۱۳۹۷). انتقال خشونت بین نسلی از خانواده اصلی به خانواده فعلی در زنان، نشریه پرستاران ایران، دوره ۳۱، شماره ۱۱۲: ۸۵-۷۷.
- آقا خانی نوید، سعید (۱۳۹۷). مطالعه تجربه زیسته از اقتدار مردان و اعمال خشونت در خانواده «مورد مطالعه: شهر همدان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- بردسیری، حجت و همکاران (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در بیمارستانهای آموزشی تحت پوشش دانشگاه پزشکی، فصلنامه بیمارستان، ارگان رسمی انجمن علمی اداره بیمارستان‌های ایران، سال هفدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۶۴: ۵۲-۴۵.
- توکلی، نیره (۱۳۸۲) هویت جنسی همسران و خشونت بر ضد زنان در خانواده، پایان‌نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین.
- حجازی، الهه؛ رضا دوست، زهرا (۱۳۹۱). بررسی اثر جنس و طرحواره‌های جنسیتی بر الگوهای دوستی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره ۳: ۷۷-۵۷.
- راس، آلن (۱۳۷۳) روان‌شناسی شخصیت، ترجمه سیاوش جمالیفر، تهران: مرکز.

۲۶.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

شرفی، مهدیه (۱۳۹۷). مطالعه کیفی بروز قتل‌های ناموسی علیه زنان در شهر خرم‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء (س).
علویان امیری، فائزه (۱۳۹۷). سیاست جنایی قضایی ایران در ارتباط با زنان بزه دیده خشونت خانگی (مطالعه‌ی موردی استان مازندران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.

کاوه، محمد (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد اول، تهران: جامعه‌شناسان.
کبیری، افشار؛ سعادت، موسی؛ نوروزی، وحید (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه)، مجله زن و جامعه، ۹(۲)، ۲۹۵-۳۲۰.
کریمی، مریم (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، گرایش خانواده، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
کلاتی، سید فرید (۱۳۹۷). تحلیل جرم‌شناختی پدیده خشونت در خانواده بر اساس نظریه دیوید ماتزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ.

محمدی، فائزه؛ میرزائی، رحمت (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۱۲۹-۱۰۱.

Clark, Cari, Jo, et al (2017), Social norms and women's risk of intimate partner violence in Nepal, *Social Science & Medicine*, Volume 202, April 2018, Pages 162-169.

Corcoran Lyun & Lane Annette (2018). *Women's Studies International Forum*, Volume 67, March & April 2018, Pages 72-79.

Gigliana, Maria et al (2018). Temporal trends in physical violence, gender differences and spatial vulnerability of the location of victim's residences, *Spatial and Spatio-temporal Epidemiology*, Volume 25, June 2018, Pages 49-56.

Hasper, J. (2013). Management of inferior feelings and addictive behaviors. Available at: www.alfredadler.com.

Kasetchai, Laeheem & Kettawa Boonprakarn. (2017), Factors predicting domestic violence among Thai Muslim married couples in Pattani province, *Kasetsart Journal of Social Sciences*, Volume 38, Issue 3, September December, Pages 352-358.

Nay, F. L (1958). *Family Relationships and Delinquent Behavior*. New York: Wily, Social Forces, Vol. 37, No. 4,: 379-380.

Reckless, Walter (1973). *The Crime problem*. 4th ed. New York, Appleton.

Silverman, D. (2013). *Doing Qualitative Research: A Practical Handbook*.

Sukhodolsky DG & Ruchkin VV. (2004). Association of Normative Beliefs and Anger with Aggression and Antisocial Behavior in Russian Male Juvenile Offenders and High School Students. *J Abnormal Child Psychol*; 32 (2): 225.